

۲۰۵۲۹۹۵

# تیمور لنگ

هارولد لمب

مترجم: علی جواهر کلام

www.ketab.ir



سرشناسه: لمب، هرولد، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲ م. Harold Lamb عنوان و نام  
پدیدآور: تیمورلنگ / هارولد لمب؛ ترجمه علی جواهر کلام. مشخصات نشر:  
تهران: آراسته قلم، ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص. شابک:  
۹۶۵۳-۶۲۲-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: عنوان  
اصلی: Tamerland, the earth shaker یادداشت: این کتاب در سالهای  
مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است. یادداشت: کتابنامه به صورت  
زیرنویس. موضوع: تیمور گورکانی، ۷۳۶ - ۸۰۷ ق. موضوع: Timur,  
1336-1405 موضوع: مغولان - تاریخ موضوع: Mongols-History موضوع:  
ایران - تاریخ - تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق. رده بندی دیویی: ۹۵۵/۶۶۱  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ ل ۸۷۹ DSR. شناسه افزوده: جواهر کلام،  
علی، ۱۲۷۵ - ۱۳۵۵ - مترجم. شماره کتابشناسی: ۵۱۳۳۸۷۲

## تیمورلنگ

هارولد لمب

مترجم: علی جواهر کلام

شابک: ۹۶۵۳-۶۲۲-۹۷۸

یراز: ۵۰ نسخه

نویسنده: ۱۳۹۸

شابک: ۹۶۵۳-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان



تهران: میدان انقلاب، خیابان وحید نظری، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۸۸، واحد ۴  
تلفن: ۶۶۴۷۹۸۳۲ - ۸۵۹۲ ۲۶۱ ۰۹۳۷

## فهرست

|     |                                           |
|-----|-------------------------------------------|
| ۷   | مقدمه مؤلف                                |
| ۷   | سعی و کوشش                                |
| ۱۳  | فصل اول: ماو، النهر، آن طرف رود جیحون     |
| ۱۷  | فصل دوم: مردان کلا سرد                    |
| ۲۳  | فصل سوم: شاه آفرین (تاج بخارا) سالی سارای |
| ۲۹  | فصل چهارم: بانوی خداوندگار                |
| ۳۵  | فصل پنجم: تیمور دیپلمات                   |
| ۴۳  | فصل ششم: سرگردان                          |
| ۵۱  | فصل هفتم: یک شتر و یک اسب                 |
| ۵۷  | فصل هشتم: کنار پل سنگی                    |
| ۶۱  | فصل نهم: جنگ باران                        |
| ۶۷  | فصل دهم: دو امیر                          |
| ۷۷  | فصل یازدهم: روی پشت بام دنیا              |
| ۸۳  | فصل دوازدهم: زین الدین سخن می گوید        |
| ۹۱  | فصل سیزدهم: کار صوفیان                    |
| ۹۹  | فصل چهاردهم: سمرقند                       |
| ۱۰۷ | فصل پانزدهم: قزل اردو                     |
| ۱۱۷ | فصل شانزدهم: در جاده های استپ             |
| ۱۲۷ | فصل هفدهم: در سرزمین سایه ها              |
| ۱۳۵ | فصل هیجدهم: مسکو                          |

|                                                    |     |
|----------------------------------------------------|-----|
| فصل نوزدهم: ساقیان - هم پیاله‌ها .....             | ۱۴۵ |
| فصل بیستم: قلمرو وسیع .....                        | ۱۵۷ |
| فصل بیست و یکم: برپشت زین .....                    | ۱۶۵ |
| فصل بیست و دوم: سلطان احمد بغدادی .....            | ۱۷۳ |
| فصل بیست و سوم: محروسه‌ی سمرقند .....              | ۱۸۱ |
| فصل بیست و چهارم: خانم بزرگ و خانم کوچک .....      | ۱۹۳ |
| فصل بیست و پنجم: مسجد جامع تیمور .....             | ۲۰۱ |
| فصل بیست و ششم: جنگ سه ساله .....                  | ۲۰۷ |
| فصل بیست و هفتم: یوحنای اسقف به اروپا می‌رود ..... | ۲۱۵ |
| فصل بیست و هشتم: آخرین جنگ صلیبی .....             | ۲۲۱ |
| فصل بیست و نهم: تیمور و ایلدرم به هم می‌رسند ..... | ۲۲۹ |
| فصل سی ام: پشت‌رو زده‌ی اروپا .....                | ۲۳۹ |
| فصل سی و یکم: دنیای سفید .....                     | ۲۴۷ |
| سرانجام .....                                      | ۲۵۳ |
| نتیجه کوشش چه بود؟ .....                           | ۲۵۳ |
| یادداشت‌ها .....                                   | ۲۶۱ |
| خردمندان در میدان جنگ .....                        | ۲۶۱ |
| کمان در مشرق و مغرب .....                          | ۲۶۲ |
| آتش اندازان .....                                  | ۲۶۴ |
| آنقره .....                                        | ۲۶۵ |
| دوک ویتولدو تاتار .....                            | ۲۶۹ |
| دو خداوند جنگ .....                                | ۲۷۱ |
| شاعران .....                                       | ۲۷۳ |
| مغول .....                                         | ۲۷۵ |
| تاتار .....                                        | ۲۷۶ |

|     |                          |
|-----|--------------------------|
| ۲۷۸ | ترک                      |
| ۲۸۱ | شیخ الجبل                |
| ۲۸۳ | شهر قشنگ و زیبای تبریز   |
| ۲۸۵ | کلاویجو در تبریز         |
| ۲۸۷ | سراپرده امیر             |
| ۲۸۷ | گنبد بزرگ                |
| ۲۸۹ | از کله آد منار می ساختند |
| ۲۹۰ | اخلاق و صفات تیمور       |
| ۲۹۱ | تیمور و مذهب             |
| ۲۹۳ | منابع                    |

## مقدمه مؤلف

### سعی و کوشش

پانصد و پنجاه سال پیش مردی کوشید که خود را فرمانروای جهان بسازد. هر اقدامی که کرد موفق نشد. ما او را تیمور لنگ می خوانیم.

در آغاز وی جهان را به دست نیاورد. فقط بر قطعه‌ای از اراضی و عده‌ای گله دار آن سرزمین مرد پرور پناه آن خیزش می آسپای مرکزی فرمانروایی داشت. تیمور مثل اسکندر مقدونی پسر پادشاه نبود. مانند چنگیز ریاست قبیله را از پدر ارث نمی برد. اسکندر و چنگیز هر دو به نام کامل که به جهانگیری برخاستند با خود همراهانی داشتند مردم مقدونیه با اسکندر و مغول ها با چنگیز همراه بودند. ولی تیمور لنگ عده‌ای را دور خود جمع کرد.

تیمور سپاهیان نیمی از جهان آن روز را یعنی سر از دیگری شکست داد. او شهرها را در هم کوبید و مطابق میل خود از سر نو آباد ساخت. کاروان‌های بازرگانی دو قاره از وسط راه‌های او می گذشتند، تیمور ثروت چندین امپراتوری را گرد آورد و به میل خویش مصرف کرد. بر قله‌ی کوه‌های بلند در ظرف یک سال دواخ ها و عشرت گاه‌ها بنا کرد. شاید بیش از هر بشر دیگری این مرد عجیب در مدت حیات خویش کوشید تا مجموعه و طرح‌های غم‌انگیز را به چنگ خود درآورد و آن را به شکل نیکوتر و دل چسب تر از سر نو قالب بریزد.

او آن روز و امروز به نام تیمور لنگ مشهور بوده و هست. در تواریخ عمومی ما نام وی تیمور لنگ است. گرچه اروپایی‌های پانصد سال پیش او را تاتاری

تاریخ اروپا در ایام تیمور به خوبی معین است. ما می‌دانیم که در آن ایام شهر ونیس<sup>۱</sup> توسط شورای ده نفری اداره می‌شد، ورینزی، موسولینی آن ایام گشت و آن جریان یک نسل پس از مرگ دانه واقع گشت. پتراک در آن اوقات به تحریر اشتغال داشت و فرانسه جنگ‌های صد سال دوره بحرانی خود را طی می‌کرد و در عین حال بورگوندی‌ها و اورلئانیست‌ها با جلادان پاریس زد و خورد داشتند و شارل ششم با حال نیمه‌دیوانه به‌طور بی‌طرفی این منظره‌ها را تماشا می‌کرد.

تاریخ آن روز اروپا چگونگی وقوع این حوادث را ذکر نموده است. اروپای آن روز جوان و وررسیده‌ای بود که آهسته آهسته از میان تاریکی‌های قرون وسطی در حال برخاستن رد. منه را آتش رستاخیز (رنسانس) برافروخته و درخشنده نگشته بود.

اروپا شیفته‌ی تجملات تمدن شرق بود و از آن نظر به شرق می‌نگریست. کتان و ادویه و ابریشم و ظروف پریمی و سوغات شرق را می‌خواست، آن روزها نقره و طلا و جواهرات از مشرق به اروپا می‌آمد و به اسطی همین کالاها شهر ونیس و جنوا، ثروتمند و مهم گشته بودند. و قرطبه و اندلس به اسپانی به دست اعراب آباد گشته بود و کاخ‌های غرناطه را آن‌ها برپا کرده بودند. قسمت منطقه هم وضعی نیمه شرقی داشت.

امروز در محلی که راه آهن ماوراء سیبیره اتصال می‌یابد. تخته‌سنگی برپا داشته‌اند که بر یک طرف آن کلمه آسیا و برطرف دیگر آن اروپا دیده می‌شود. در زمان تیمور این علامت می‌بایستی پنجاه درجه به طول غربی در امتداد فعلی قرار گیرد، به عبارت دیگر بایستی در اطراف ونیس باشد. اروپای مرکزی (خاص) باید قسمتی از استان‌های آن به شمار بیاید. استان‌هایی که بارون‌ها و سرف‌ها (بندگان) در آن زیست می‌کردند و شهرها از کلبه‌ها و دهات کوچک تشکیل یافته بودند و چنان که مورخ می‌نویسد زندگانی عبارت از آه و ناله و شکوه و زاری بود.

۱- ونیس در قرن چهارده میلادی مهم‌ترین جمهوری اروپا بوده و تا سال ۱۸۱۴ مستقل بود و آن موقع ضمیمه‌ی اتریش شد و اکنون جزء ایتالیا می‌باشد. مترجم.